

بقیه از صفحه ۱۱

همچنین «کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ICRC به‌طور مستقیم با مجاهدین در مورد وضعیت اسیران جنگی ایرانی که تحت بازداشت آنها بودند، مذاکره می‌کرد. این مذاکرات بدون هرگونه مداخله یا مشارکت دولت عراق صورت می‌گرفت».

۲۵- در نظریه مشترک لرد اسلین و پروفسور دوکارا نیز بر «تداوم موقعیت مجاهدین در عراق تا هنگامی که به موجب قوانین بین‌المللی و قطعنامه ۱۴۸۳ یک حکومت منتخب و مورد شناسایی بین‌المللی بر سر کار آید و مسئولیت امور را عهده‌دار گردد» تأکید گردیده و خاطرنشان شده است که «هیچ توافق ویژه‌یی نباید بر وضعیت افراد تحت حفاظت تأثیر منفی بگذارد و حقوقی را که به آنها تعلق دارد، محدود کند».

در این نظریه با ذکر نمونه‌های تاریخی تصریح شده است که «یک دولت جانشین [در عراق] در قبال قراردادهایی که سلفش [با مجاهدین] بسته است، مسئول است». «لبته یک دولت جدید ممکن است بخواهد سیاست سابق کشور را که در زمان سلفش اعمال می‌شد ترک کند. اما تنها می‌تواند چنین کاری را بر اساس ضوابطی که به لغو قراردادها و حقوق مکسبہ اعمال می‌گردد، انجام دهد. به‌طور خاص این حکومت باید حقوقی را که در ارتباط با حفاظت از حقوق بشر، حقوق اقلیتها و موقعیت پناهندگی اعطا شده‌اند، مراعات کند».

«دولت سابق عراق، نه براساس کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو، که عراق امضاکننده‌اش نیست، بلکه بر اساس قوانین ملی خودش به مجاهدین موقعیت پناهندگی داده بود. پناهندگی تفویض شده به مجاهدین «پناهندگی سیاسی» است و نه پناهندگی «اوارگان».

به‌موجب ماده ۴ قانون پناهندگی عراق، پناهنده را نمی‌توان به کشور خودش اخراج کرد یا او را به‌هیچ شکلی به کشور اصلی خود بازگرداند».

«مقامهای آمریکایی ملزم به محترم شمردن وضعیت کنونی هستند و همان موقعیت مجاهدین را که قبل از اشغال وجود داشت، بایستی به‌رسمیت بشناسند».

۲۶- در این نظریه به‌روشنی استدلال می‌شود: «مجاهدین قبل از مداخلات سال ۲۰۰۳ به‌طور دوفاکتو به عنوان یک جنبش مقاومت به‌رسمیت شناخته شده بودند».

«شورشیان به‌رسمیت شناخته‌شده تحت قانون بین‌الملل از حقوقی برخوردار نیستند، اما این شناسایی به آنها موجودیت دوفاکتو دربارهٔ حکومتی می‌دهد که آنها را به رسمیت شناخته است و حکومت مزبور می‌تواند چنین حقوق و وظایفی را به‌رسمیت بشناسد».

«از نظر تاریخی، موضوع به‌رسمیت شناختن شورش توسط کشورهای غیردرگیر، یک اقدام انساندوستانه بود تا برای شورش‌شبیانی که دست به‌عملیات سازمان‌یافته نظامی می‌زدند حفاظتی فراهم کنند که برای سربازان در قوانین بین‌المللی معطوف به جنگ تأمین شده است».

«این موقعیت (استاتو) مبتنی بر توافق کلامی میان حکومت عراق و سازمان مجاهدین خلق ایران بوده است و طبق آن مجاهدین اجازه ورود به عراق و اقامت در آن کشور را داشته و از آزادی عمل و استقلال برخوردار می‌باشند. عملکرد عمومی مقامهای عراقی و برخی اسناد مؤید این امر است: بیانیه رئیس‌جمهور عراق در ۱۵ ژوئن ۱۹۸۶: «رهبری عراق به مقاومت ایران و استقلال سیاسی و ایدئولوژیکی آن و آزادی عمل این مقاومت در اقدامات و تحرکات خود برای دستیابی به اهدافش احترام

می‌گذارد... روابط میان عراق و مقاومت ایران مبتنی بر صلح، احترام مشترک به حاکمیت ملی و احترام به انتخاب ایدئولوژیکی و سیاسی هر یک از دو ملت است (بغداد ابزور ۱۵ و ۱۶ ژوئن ۱۹۸۶)».

«حکومت عراق به سازمان مجاهدین خلق ایران امکانی را برای ایجاد قرارگاهها و دفاترشان اختصاص داد. مقامهای عراقی این امکان را «به‌مثابه امکانی که دولت عراق به این سازمان اجازه داده بدون هرگونه مداخله از آنها استفاده کند تلقی می‌کردند (دفتر رئیس مدیریت نظارت ملی ۹ دسامبر ۲۰۰۲). حتی برای تحقیق در مورد سلاحهای کشتارجمعی نیاز به یک توافق با سازمان خارجی بود (الشموره ۶ دسامبر ۱۹۹۸)».

«سازمان مجاهدین خلق ایران مجاز بود سلاحش را حفظ کند و از خاک عراق علیه اراضی ایران دست به اقدام بزند».

«سازمان مجاهدین خلق ایران اجازه داشت از عراق و خارج عراق دست به پخش (برنامه) بزند».

«سازمان مجاهدین خلق ایران اجازه داشت در قرارگاههای آموزش نظامی و سیاسی بدهد».

«این عناصر روشن می‌کند که مجاهدین از سوی عراق نه در داخل و نه در خارج عراق به عنوان مجرم یا تروریست تلقی نمی‌شدند و نمی‌شوند. در سوابق قضایی می‌توان نمونه‌هایی از چنین شناسایی‌های رسمی را یافت. به عنوان مثال:

«جنبش مقاومت فرانسه قبل از این که به‌حکومت تبدیل شود، به‌این عنوان به‌رسمیت شناخته شده بود. در بدو امر این جنبش به‌عنوان جنبش مقاومت در لندن، در ژوئن ۱۹۴۰ به رسمیت شناخته شد. سپس نخستین قدم ایجاد «کمیته ملی فرانسه» در ۲۳ سپتامبر ۱۹۴۱ بود که در لندن مقر داشت و توسط اتحاد شوروی در ۲۶ سپتامبر ۱۹۴۱ و انگلستان در ۲۶ نوامبر ۱۹۴۱ به‌رسمیت شناخته شد. آن‌گاه کمیته ملی فرانسه مبارز در ۱۳ ژوئیه ۱۹۴۲ تأسیس شد که در همان روز توسط انگلستان، سپس در سپتامبر توسط اتحاد شوروی، و ۲۰ کشور دیگر در تاریخ ۱۹ دسامبر ۱۹۴۲ به‌رسمیت شناخته شد».

«اخیراً جنبشهای مقاومت دیگری نیز به رسمیت شناخته شده‌اند: جبهه آزادیبخش ملی در الجزایر در جریان شورش علیه فرانسه، ساپو در نامیبیا و ...».

۲۷- در یک سال گذشته بیش از هزار نمایندهٔ پارلمان از کشورهای مختلف و صدها شخصیت برجستهٔ سیاسی، طی بیانیه‌های خود ضمن تأکید بر ضرورت به‌رسمیت شناختن حقوق مجاهدین مستقر در قرارگاه اشرف و محکوم کردن وقایع ۱۷ ژوئن در فرانسه، خواستار حذف نام سازمان مجاهدین خلق ایران از لیست سازمانهای تروریستی شدند.

«بیانیهٔ ۳۰۵ نمایندهٔ «مجلس عوام و مجلس اعیان انگلستان، بیانیهٔ اکثریت پارلمان ایتالیا، بیانیهٔ اکثریت نمایندگان پارلمان بلژیک، بیانیهٔ اکثریت مجلس سنای بلژیک، بیانیهٔ اکثریت مجلس لوگزامبورگ، بیانیهٔ اکثریت پارلمان نروژ، بیانیهٔ ۱۲۰ عضو پارلمان اروپا و بیانیه‌های شمار قابل توجهی از قانونگذاران دیگر کشورها در اروپا، آمریکا، کانادا، استرالیا از این شمار است.

نمایندگان پارلمان انگلستان در بیانیهٔ خود تأکید می‌کنند: «جهان در حال حاضر می‌داند که سازمان مجاهدین خلق ایران بخش مهمی از حرکت برای متوقف کردن پیشروی بنیادگرایی در عراق و منطقه می‌باشد. این تأکیدی است بر ضرورت حذف برچسب تروریستی از سازمان مجاهدین خلق ایران و

آویزان کردن این عنوان بر گردن رژیم ملاحای تروریست در تهران که مرتکب نقض شدیدحقوق بشر هم شده‌اند. بنابراین مهم است که حضور سازمان مجاهدین خلق ایران در عراق به عنوان یک جنبش سیاسی مستقل به رسمیت شناخته شود». بیانیه می‌افزاید:

«پشتیبانی از مردم ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران برای کسب دموکراسی و حقوق بشر در شکست دادن تروریسم در داخل و خارج این کشور ضروری است».

«نمایندگان پارلمانهای بلژیک، نروژ و لوگزامبورگ، ضمن محکوم کردن «تعرض به مقاومت تحت رهبری خانم رجوی، که علیه بنیادگرایی و برای استقرار یک دموکراسی برپایهٔ انتخابات آزاد و جدایی دین از دولت مبارزه می‌کند» اعلام کردند: «رژیم ایران می‌خواهد با استرداد یا اخراج ۴۰۰۰ عضو مقاومت از عراق «راه را برای برپایی یک حکومت مذهبی دست‌نشانده در عراق هموار کند. مجاهدین ایرانی طی ربع قرن اخیر با اتکا به یک اسلام دموکراتیک و بردبار، آنتی‌بنیادگرایی اسلامی و مهم‌ترین مانع در مقابل گسترش آن بوده‌اند».

این نمایندگان با تأکید بر این که «دستاویز تهران برای توطئه علیه مقاومت ایران در اروپا و در عراق، وجود نام مجاهدین در لیست تروریستی اتحادیهٔ اروپاست»، تصریح نمودند: «ما از اتحادیهٔ اروپا می‌خواهیم نام مجاهدین را از لیست سازمانهای تروریستی حذف کند و اجازه ندهد به بهانهٔ مبارزه علیه تروریسم، آزادی بیان و حقوق اولیهٔ اعضای مقاومت ایران، که پیشقراولان مبارزه با دیکتاتوری و تروریسم هستند، چه در اروپا و چه در عراق پایمال شود.

در غیر این صورت برندهٔ آن تروریستهای واقعی و بنیادگرایان خواهند بود».

۲۸- یک‌سال گذشته دهها جلسه در حمایت از مقاومت ایران و به‌خصوص در دفاع از مجاهدین مستقر در اشرف، در محل پارلمانهای انگلستان، ایتالیا، بلژیک، سوئد، استرالیا، کانادا، پارلمان اروپا و سنای آمریکا با حضور برجسته‌ترین متخصصان مسائل ایران و خاورمیانه برگزار گردید.

همچنین جلسات متعددی در معرفی کتاب «دشمنان آیت‌الله‌ها مبارزهٔ مقاومت ایران علیه بنیادگرایی»، نوشتهٔ مسئول کمیسیون خارجهٔ شورای ملی مقاومت، از جمله در پارلمان اروپا (استراسبورگ)، پارلمان انگلستان و در پاریس زیر عنوان «اسلام و بنیادگرایی» برگزار شد.

شورای ملی مقاومت از همهٔ این حمایتها و همبستگیهای پر ارزش قدردانی می‌کند و خواستار ادامهٔ این تلاشها می‌باشد.

اجتماعی ایران ایجاد شده است که نمونه‌های آن بسیار زیاد و چشمگیرند و بایستی جداگانه به آنها پرداخت.

۳۱- در جریان همهٔ تحقیقات و مصاحبه‌های اف بی آی و وزارت خارجهٔ آمریکا از نیروهای تروریست در عراق هیچ اثر، سند و دلیلی مبنی بر تروریست بودن مجاهدین به دست نیامد.

«نیویورک‌تایمز (۶مرداد۸۳) نوشت: «مقامهای ارشد آمریکایی اعلام کردند که در جریان تحقیقات و بازرسی ۱۶ ماهه توسط ایالات متحده، هیچ مبنایی برای متهم کردن مجاهدین به تروریسم و ارائهٔ اتهامها، حتی علیه یک عضو این گروه، یافت نشده است».

«در همین باره رادیو سی. بی. سی کانادا در روز ۲۳ تیر ۸۳ از قرارگاه اشرف گزارش کرد: «بازرسیهای آمریکا از حدود یک سال پیش به آنجا رفته بودند و همهٔ مجاهدین را تک به تک مورد سؤال قراردادند، همهٔ مدارک و هویتشان را چک کردند و بازجوییهای رودرو انجام دادند... حالا همه را پاک اعلام کرده‌اند، یعنی آنها به‌خاطر ارتباط با هیچ جرم مشخصی مورد مداخلهٔ آمریکا نیستند. مردم عراقی ساکن در همسایگی این قرارگاه، طرفداران پر و پا قرص مجاهدین هستند. آنها حتی تظاهرات بزرگی در حمایت از مجاهدین ترتیب داده‌اند. بزرگترین تظاهراتی که ما در عراق دیده‌ایم در این قرارگاه بوده است».

۳۲- شورای ملی مقاومت با سرور و با افتخار اعلام می‌کند که بزرگترین، طولانی‌ترین، بفرنج‌ترین و پردردترین عملیات تاریخ این مقاومت که ۱۶ ماه به درازا کشید، با شکست پیروزی رسیده است.

بدون تردید، این شکست سهمگین برای رژیم بسیار گزنده است. به همین دلیل بازمه برای ضربه زدن به مقاومت به تلاش و تکاپو و وطن فروشی بیشتر دست خواهد زد.

۳۳- پیروزی مقاومت ایران و مجاهدین خلق مستقر در شهر اشرف، برای رژیم ایران آن چنان گزنده بود که قبل از اعلام رسمی موقعیت حقوقی آنها در عراق، روزنامهٔ جمهوری اسلامی ۲۲ تیر نوشت: «مشمول کنوانسیون چهارم ژنو شدن به مفهوم خارج شدن منافقین از عنوان تروریسم است».

«پس از اعلام موقعیت حقوقی نیز جمهوری اسلامی (۴مرداد) آن را «حکم برائت مجاهدین» از عنوان تروریستی دانست و نوشت: «آمریکا حکم برائت منافقین را صادر کرد و حضور آنها در عراق را مجاز دانست».

«سختگوی وزارت خارجهٔ رژیم در روز عمرداد در واکنشی ابلهانه اعلام کرد: «مسئولان آمریکایی شایستگی اظهارنظر و قضاوت برای تعیین حامیان و مخالفان تروریسم را ندارند!» رژیم و سخنگویانش فراموش کرده‌اند که از دو سال پیش مستمراً «شایستگی» و «بایستگی» بمباران همین مجاهدین را توسط آمریکا و انگلستان مورد تأیید قرار می‌دادند و آنرا «علامت صداقت» و «حسن نیت» آمریکا و انگلستان توصیف می‌کردند!

«اکنون رفسنجانی از فرط غیظ و غضب، دوباره به لجن‌پراکنی و تهدید آشکار پرداخته و می‌گویند: «منافقین تحت حمایت آمریکا هستند. اگر آمریکا دست خود را از بالای سر آنها بردارد، مگر مردم عراق اجازه می‌دهند آنها در این کشور باقی بمانند... مگر مردم عراق قبول می‌کنند اینها آن‌جا زندگی و شرارت کنند، آمریکاییها اینها را نگهداشته‌اند» (خبرگزاری رژیم - ۲ مرداد۸۳).

از این پیشتر وزیر اطلاعات رژیم هم بارها گفته بود که «ما به دست مردم عراق (!) از منافقین انتقام خواهیم گرفت». بقیه در صفحه ۱۳